

معرفی کتاب مشهورات بی اعتبار

یکی از کتاب‌های خوبی که اخیراً خوندم مشهورات بی اعتبار بود. نویسنده با زحمت فراوانی که کشیده مستند نشون می‌ده بعضی از باورهای فعلی‌مون با احادیث نامعتبر ایجاد شده.

معرفی کتاب مشهورات بی اعتبار

رشته توییتی از ابوذر مهرمنش

یکی از کتاب‌های خوبی که اخیراً خوندم مشهورات بی اعتبار بود. نویسنده با زحمت فراوانی که کشیده مستند نشون می‌ده بعضی از باورهای فعلی‌مون با احادیث نامعتبر ایجاد شده.

این کتاب قویا به همه اندیشه‌ورزانی که به دنبال هرس اعتقاداتشون هستن توصیه می‌شه. در این رشتو چندتاش رو میارم.

حدیث "لولاک لما خلقت الافلاک: ای محمد، اگر تو نبودی جهان را خلق نمی‌کردم"

این حدیث در منابع کهن شیعه دیده نمی‌شود و اولین بار در قرن ششم بدون هیچ سندی در کتاب مناقب ابن شهر آشوب آورده شده. بعدتر علامه مجلسی در بحارالانوار ضمن حدیثی داستان گونه و طولانی این عبارت را آورده.

حدیث قدسی "کنت کنزاً مخفياً فأحببت أن عرف فخلقت الخلق لأن اعرف: من گنجی پنهان بودم. دوست داشتم شناخته شوم پس مخلوقات را آفریدم تا شناخته شوم" اولین کتابی که در شیعه این را نقل کرده کتاب ضعیف و مجهول مشارق أنوارالیقین در قرن نهم هجری بوده و بعد بقیه آن را نقل کرده اند.

حدیث "الطرق إلی الله بعدد أنفاس الخلائق: راه‌های به سوی خدا به تعداد مخلوقات است" عجیب است که این حدیث که سخن نیکو و حکیمانه ایست و در دهه‌های اخیر شهرت پیدا کرده در هیچ منبع حدیثی شیعه و سنی وجود ندارد. صرفاً عرفایی چون ملاهادی سبزواری و ملاصدرا این عبارت را بیان کرده اند.

جمله مشهور "حسنات الابرار سیئات المقربین: کارهای نیک ابرار گناهان مقربین است"

ظاهراً کهن‌ترین کتابی که این سخن را نقل کرده لطائف الإشارات قشیری در قرن پنجم هجری است و البته آن را به عنوان حدیث نقل نکرده. چه بسا مقبول‌ترین سخنان که هیچ اساس و پایه‌ای نداشته باشد.

نحوست ماه صفر

بین متدینین ما مشهور است که ماه صفر ماه نحسیست و برای رفع نحوست آن باید دعا خواند و صدقه داد. اما در منابع روایی حدیثی دال بر نحوست ماه صفر یافت نمی‌شود. همین‌طور بشارت به خروج از ماه صفر و دعا‌های دوری از بلا در این ماه.

حدیث "الملك یبقي مع الکفر و لا یبقي مع الظلم" از سخنان پیرآوازه دیگرست که در هیچ منبع حدیثی به عنوان روایت نقل نشده و در قرن یازدهم هجری وارد کتب شده. البته میرزای نائینی فقیه دوران مشروطه از این حدیث به عنوان نص مجرب (یعنی حدیثی که به تجربه ثابت شده) یاد می‌کند.

روایتی که امام حسین در راه کربلا پیامبر را در خواب می‌بیند و پیامبر به او می‌فرماید "ان الله شاء ان یراک قتیلًا: خدا می‌خواهد تو را کشته ببیند" با کمال تعجب تا قرن هفتم هجری اثری از این روایت نیست و بعد از آن به یکی از روایات کلیدی حرکت امام حسین تبدیل می‌شود.

روایت‌های قابل تامل دیگه‌ای هم در کتاب هست. از دوستان اهل پژوهش و نقد دعوت می‌کنم که نظریات تحقیقی شون در رد یا تایید مطالب گفته شده به اشتراک بگذارن. در پشت جلد کتاب هم نظر آقای یوسفی غروی در مورد کتاب چاپ شده.

در مواجهه با بیماری‌های همه‌گیر جهانی چیزی فراتر از دوگانه دموکراسی/اقتدارگرایی اهمیت دارد.

با اعلام شروع بیماری همه‌گیر جهانی ویروس کرونا که چین نقطه آغازش بود، بسیاری استدلال کردند که نظام اقتدارگرایی چین جلوی جریان آزاد اطلاعات را گرفت و این به تاخیر در واکنش و تشدید بیماری دامن زد. بحث پزشک چینی، لی ونلیانگ، که به دلیل افشای این بیماری توسط دولت چین مجازات شد و سپس خود بر اثر همین بیماری فوت کرد، گویای کژکارکردی اقتدارگرایی است.

اکنون وضعیت دولت های دموکراتیک نیز چندان خوب نیست. اروپا اکنون بیش از چین متحمل بار این بیماری است و تعداد کشته های ایتالیا بیش از کشته های چین است.

این بدان معناست که بسیاری از رهبران دموکراسی ها به مانند چین احساس کردند که باید خطرات این بیماری همه گیر را کمتر از آنچه هست باید نشان دهند تا بدین طریق هم از آسیب به اقتصاد جلوگیری کنند و هم از منافع شخصی خود حافظت کنند. این فقط مختص روسای جمهور برزیل و مکزیک نیست بلکه ترامپ را نیز می توان جزو این دسته دانست که در اواسط مارس تاکید داشت که این بیماری تحت کنترل است و به زودی از بین خواهد رفت.

وقتی این بیماری پایان یابد تردید دارم که دوگانه سازی های آسان دموکراسی/اقتدارگرایی کنار گذاشته شود. بحث من در اینجا این است که عامل تعیین کننده اصلی در کارکرد دولت ها نه نوع رژیم سیاسی آنان، بلکه توانایی و ظرفیت دولت و بالاتر از همه اعتماد عمومی به دولت است.

تمام نظام های سیاسی در مواقع بحران به اقتدار قوه مجریه نیاز دارند. ظرفیت و توانمندی افراد مسئول و قضاوتشان خوب یا بد بودن نتایج و پیامدها را تعیین خواهد کرد.

در تفویض اقتدار به دستگاه حاکم، اعتماد یگانه کلایی است که سرنوشت جامعه را تعیین خواهد کرد. هم در دموکراسی ها و هم در نظام های اقتدارگرا شهروندان باید باور داشته باشند که مسئولین می دانند چه می کنند.

یک مفهوم نادرستی رواج دارد که دموکراسی ها لزوماً دولت های ضعیفی دارند زیرا آنان باید به انتخاب عمومی و رویه های قانونی احترام بگذارند. تمام دولت های مدرن دارای یک دستگاه حاکم قدرتمند هستند، زیرا هیچ جامعه ای بدون داشتن آن جان سالم به در نخواهد برد.

آنچه لیبرال دموکراسی را از اقتدارگرایی متمایز می کند ایجاد موازنه بین قدرت نهاد دولت و نهادهای محدودکننده- مثل حاکمیت قانون و پاسخگویی دموکراتیک- است.

سرعت عمل چین در تجهیز منابع نشان از برتری سیستم اقتدارگرایی دارد اما در حالی که آمریکا در ابتدا کند عمل می کند اگر سرعت گیرد حتی از دیگران نیز توانمندی بیشتری خواهد داشت. می توان استدلال کرد که چون قدرت در آمریکا به لحاظ دموکراتیک مشروعیت دارد، در بلندمدت نسبت به یک دیکتاتوری و اقتدارگرایی دوام بیشتری خواهد داشت. همچنین دولت دموکراتیک می تواند ایده ها و اطلاعاتی را از شهروندان و جامعه مدنی بگیرد که چین قادر به انجام آن نیست. همچنین سیستم فدرالی و ایالتی آمریکا به مثابه آزمایشگاه ایده ها عمل کرده و می توانند زودتر از دولت فدرال دست به کار شوند.

دموکراسی ها در مواقع اضطرار به قوه مجریه قدرت اعطا می کنند تا با سرعت بیشتری با تهدیدات برخورد کنند. اما تمایل به اعطای قدرت بیش از همه بستگی به اعتماد به دستگاه حاکم دارد که آیا از این قدرت به صورت هوشمندانه و موثر استفاده خواهد کرد یا خیر.

one: اعتماد بر دو بنیان ساخته می شود؛ اول، شهروندان باید باور داشته باشند که دولتشان از تخصص، دانش فنی، ظرفیت و اتخاذ بهترین قضاوت ها و تصمیمات موجود برخوردار است. اعتماد چیزی است که در بحران مالی 2008، بانک مرکزی آمریکا از آن برخوردار بود؛ بن برنانکه، رییس وقت بانک مرکزی، یک فرد دانشگاهی بود که عمیقاً رکود بزرگ سال 1929 آمریکا را مطالعه کرده بود.

two: بنیان دوم اعتماد عبارت است از اعتماد به بالاترین افراد حاضر در سلسله مراتب یعنی خود نظام سیاسی و افراد مسئول. برای مثال ترامپ امروز با یک بحران اعتماد سیاسی مواجه است. وی یک پایگاه رای حدود 3-40 درصد دارد که در هر صورت از او حمایت می کنند.

end: در آخر، من باور ندارم که می توانیم به یک جمع بندی و نتیجه گیری گسترده درباره بهتر بودن دیکتاتوری ها یا دموکراسی ها در جان سالم به در بردن از این بحران برسیم. دموکراسی هایی نظیر کره جنوبی و آلمان نسبتاً در مواجهه با این بحران موفق بوده اند، حتی اگر آمریکا زیاد خوب عمل نکرده باشد.

آنچه در پایان مهم است نه نوع رژیم سیاسی، بلکه اعتماد شهروندان به رهبران و شایستگی و کارآمدی دولت ها است